

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

بستر پیری

بگرفته گریبان مرا افسر پیری افکنده به سر پنجه زورآور پیری
از موی سپیدی زده تاجی به سر من نامیده مرا پادشه کشور پیری
آرامش من ، راحت من برده بتاراج فوج غم افتادگی و لشکر پیری
دارد اثر تلخ به کامم شکرو شیر پستان به لبم داده مگر مادر پیری
بر مهر درخشان نتوان دیده گشودن تا جلوه گر بخت شده اختر پیری
در میکرده ام ره ندهد رند خرابات باقامت خم گشته و لرزان سر پیری
ضعف تنم از پای فکنده ست وز حسرت لب می گزم از قند لب دختر پیری
ای عمر ز کف رفته چه انداخته ای باز چون مشت سپندم ، به دل اخگر پیری
ای درد عجب با منت آهنگ مصافست در بستر بیماری و در سنگر پیری
آن شاهد گلچهره دگر رام نگرده تادیده مرا هم سفر و همسر پیری
هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
از شصت گذشتیم و شکستیم و خمیدیم ای وای ز افسانه و افسونگر پیری
آزرده دل از ریشه دست و سر و پائیم ای خاک سیه باد شود بر سر پیری

درمانده «اسیر» توز پرواز عجب نیست

ره یافته بر بال و پرش ، شهر پیری

(بن - المان ، مارچ 1994 م)